

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰  
صفحه ۲۳ تا ۴۰

## بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر امنیت ملی پایدار در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره))

علی اسدی / دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران  
Asadi.judg@yahoo.com

امیر محمد صدیقیان / استادیار گروه کیفری و جرم شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران،  
نویسنده مسئول  
Asediqian@yahoo.com

علی زارع مهرجردی / استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد،  
ایران  
Ali\_zarehmehrjardi@yahoo.com

### چکیده

پژوهش حاضر با تعیین هدف ابعاد فساد اقتصادی در اندیشه امام خمینی و آثار آن بر امنیت ملی پایدار، این سؤال را طرح می‌کند که فساد اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) از چه راه‌هایی باعث تهدید امنیت ملی پایدار می‌شود؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مسأله امنیت ملی پایدار از جانب مفاسد اقتصادی نظیر: رانت، بی‌عدالتی، رشوه‌خواری، ربا، تکاثر ثروت نامشروع در جامعه اسلامی رخ می‌دهد. با رواج یافتن فساد اقتصادی، نگرش مردم نسبت به نظام سیاسی متزلزل می‌شود و بی‌اعتمادی به عنوان مهم‌ترین اثر فساد اقتصادی نمایان می‌شود. از طرفی، با ترویج فساد اقتصادی در جامعه، نظام سیاسی در برابر تهدیدات خارجی نیز آسیب‌پذیر می‌شود. در دیدگاه امام خمینی (ره) همواره بر نقش مخرب فساد و تهدیدات ناشی از آن تأکید شده است. حفظ و حمایت از امنیت ملی نیازمند از بین بردن مفاسد اقتصادی و راهکاری عملی برای مبارزه با مفسدان است. تهدیدات ناشی از فساد اقتصادی هم بی‌اعتمادی در داخل و هم وابستگی به بیگانگان را به دلیل نادیده گرفتن تولید داخل، از بین رفتن انگیزه اقتصادی افراد جامعه دچار اختلال می‌کند و تهدیدی برای امنیت ملی است. در مطالعه حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده شده است. جمع‌آوری اطلاعات نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است.

**کلیدواژه:** فساد اقتصادی، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره).

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

## مقدمه

مسئله فساد اقتصادی و جلوه‌های آن و همچنین تأثیراتی که بر روی جامعه می‌گذارد، بخش مهمی از دغدغه نظام‌های سیاسی در نقاط مختلف جهان به شمار می‌رود. این موضوع به دلیل آنکه منشأ فردی و اجتماعی دارد و همچنین ممکن است آثار و تبعاتی ناگواری برای جامعه نیز در پی داشته باشد، نیازمند اتخاذ راهکارها و شیوه‌هایی برای مقابله با آن است. از طرفی دیگر مسئله امنیت ملی و رویکردهای نظام‌های سیاسی مختلف نسبت به آن، باعث شده تا اقتصاد نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد. زیرا در ساده‌ترین حالت، هنگامی که فقر و بی‌عدالتی، رانت و فساد اقتصادی بر یک جامعه حاکم شود، زمینه‌ها برای شورش‌های اجتماعی و سیاسی نیز فراهم می‌شود و همین خود منشأ سرگشتگی‌ها و بحران‌های اجتماعی است.

انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به دنبال برقراری عدالت در جامعه و حتی ارائه الگویی برای سایر نظام‌های سیاسی جهان بوده است. با توجه به همین مسئله، توجه به فساد اقتصادی، مقابله با آن و همچنین برقراری امنیت ملی پایدار در راستای منافع عمومی جامعه بخش مهمی از رویکرد جمهوری اسلامی ایران، بنیانگذار انقلاب اسلامی و همچنین رهبر انقلاب اسلامی بوده است. بدین معنا که اقتصاد و فساد اقتصادی می‌توانند تهدید کننده امنیت ملی و یا حتی از بین برنده آن در نظر گرفته شوند. با توجه به اهمیت مقوله فساد اقتصادی و تأمین امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی ابعاد فساد اقتصادی و آثار آن بر امنیت ملی پایدار در جمهوری اسلامی ایران از نگاه امام خمینی بپردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق تحقیق حاضر از آن رو است که فساد و آثار متعدد آن بر جامعه و نظام سیاسی و ارتباط متقابلی که با یکدیگر دارند، بر کسی پوشیده نیست. همچنان که می‌توان موارد متعددی از فروپاشی نظام‌های سیاسی را مشاهده نمود که به دلیل گسترش فساد در بخش‌های مختلف ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دچار فروپاشی شده و منجر به ناامنی در جامعه شده است. این مقوله وقتی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود، ابعاد حساس‌تری به خود می‌گیرد. زیرا توسعه عدالت و پیاده کردن احکام اسلامی، اهداف اصلی انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند. بنابراین وجود فساد در جامعه به معنای محقق نشدن عدالت و عدم اجرای احکام شریعت است. بنابراین پرداختن به ارتباط فساد و امنیت ملی موضوعی حیاتی و اساسی است.

## ۱-۱. پیشینه تحقیق

منظمی تبار (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان "مطالعه تأثیر فساد و جرایم یقه سفیدان بر اقتصاد و امنیت ملی" بدین نتیجه رسید که جرایم اقتصادی ابتدا امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس حوزه امنیت ملی را با تهدید جدی روبرو می‌سازد. تبعیض و بی‌عدالتی فراگیر، نقش خود را در قالب تهدید مشروعیت نظام سیاسی هویدا می‌سازد. بختیاری (۱۳۹۷)، در مقاله "واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر نهج البلاغه" از منظر دینی به بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی پرداخته است. نویسنده با بررسی سیره حضرت علی (ع) در راه مبارزه با فساد، الگوی مبارزه با فساد را در این چارچوب قابل تحقق می‌داند. به عقیده نویسنده، نهج البلاغه، منبع غنی اسلامی در حوزه عدالت‌خواهی و برخورد قاطع با مفسدان است. قدسی (۱۳۹۱)، نیز در پژوهشی با عنوان "قدرت نرم پایدار جمهوری اسلامی ایران در پرتو بازتولید سرمایه اجتماعی" چنین نتیجه گرفت که لازمه مقابله با هر تهدیدی، بهره‌گیری از سلاحی با همان جنس است. از این منظر، مقابله با تهدیدات نرم نیازمند بهره‌گیری از روش‌های نرم و فرهنگی است. امنیت نرم و قدرت نرم به هم پیوسته هستند و جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند با تهدیدات نرم مقابله کند، ابتدا می‌بایست سرمایه اجتماعی را در داخل بالا برده و از این طریق با خطرات و تهدیدات از این جنس مقابله نماید. مقاله درویشی (۱۳۸۹)، نیز با عنوان "ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)" به این موضوع توجه نشان می‌دهد که ابعاد امنیت در اندیشه امام خمینی (ره) متنوع و متعدد هستند و از این رو، امنیت در اندیشه امام خمینی با ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیوند خورده است. همچنین ایشان فراتر از بعد دنیوی و علاوه بر آن، به بعد اخروی اصالت داده و در عین حال، در جنبه مادی یا دنیوی نیز اهمیت والاتری برای بعد سیاسی قائل بودند. علی کریمی مله و همکاران (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان "تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)" بدین نتیجه رسیده‌اند که امام (ره) برای منابع تهدیدات داخلی اهمیتی بیش از منابع خارجی تهدید قائل هستند و گونه‌های تهدید را منحصر در تهاجم نظامی خارجی نمی‌دانند، بلکه با تکیه بر نقش دین و مردم در قوام یا زوال امنیت ملی، تشمت و ناستواری داخلی، فاصله گرفتن از اسلام، مشارکت-ناپذیری مردم، بیگانه‌گرایی و وابستگی فکری مراکز تولید اندیشه و انشقاق گروه‌های مرجع را از مهم‌ترین عوامل تهدید سیاسی امنیت ملی به شمار می‌روند.

در مطالعات انجام شده، هرچند موضوع امنیت ملی و فساد اقتصادی مورد توجه قرار گرفت، اما نه تنها در این پژوهش‌ها، بلکه در سایر پژوهش‌ها نیز مسأله فساد اقتصادی و امنیت ملی پایدار در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی مورد بررسی قرار نگرفت. بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند پژوهش جدیدی در این زمینه محسوب گردد.

## ۲-۱. چارچوب نظری تحقیق؛ نظریات امنیت ملی

امنیت ملی از منظر واقع‌گرایان، به گونه‌ای تعریف شده است که امکان رسیدن به صلح دائمی را ناممکن می‌دانند. بنابراین کشورها در عرصه روابط بین‌الملل و مردم در داخل همواره برای دستیابی به قدرت مبارزه می‌کنند. به عبارتی دیگر، دستیابی به صلح دائمی غیرممکن است (بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۷۰). در دیدگاه نوواقع‌گرایان، همین موضوع به نحو دیگری تکرار شده است. نوواقع‌گرایان بر این باور هستند که بازیگران سیاسی در وضعیت آشوب‌زده هستند و برای دستیابی به مقام و موقعیت بالاتر، همواره در حال ستیز هستند (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۷۸). در این حالت، امنیت ملی، تلاش برای بقا، قدرتمندی و بهره‌گیری از عناصر بازدارنده و یا تهدیدآمیز است که بتواند امنیت را به نحو مطلوبی تأمین نماید. برخی دیگر از نظریات، بر روی احساس آزادی و یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید می‌کنند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۹). اما در نظریات متأخر، دستیابی به امنیت ملی در گرو دستیابی به سلسله‌اموری از قبیل: نظامی، سیاسی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی است که باری بوزان مطرح کرده است (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۹). نظریه بوزان هرچند دامنه امنیت ملی را به موضوعات مختلف تسری می‌دهد، اما همچنان دایره‌مدار قدرت است. در نظریه دیگری، امنیت ملی، در ارتباط با حفظ امنیت از تهدیدات احتمالی رقبا تعریف شده است (فریدمن، ۱۳۷۸: ۳۲۰). باز در همین راستا، ولفرز، امنیت ملی را چنین تعریف می‌کند: «ترجمه ساده منافع ملی به منافع امنیت ملی همراه با این دلالت اخلاقی که کشورها بایستی چنین منفعتی را دنبال کنند.» (فریدمن، ۱۳۷۸: ۳۱۸). بنابراین، برای دستیابی به امنیت از طریق افزایش قدرت، حتی توجیهات اخلاقی نیز آورده می‌شود. لیمن نیز امنیت ملی را چنین تعریف می‌کند: «یک ملت وقتی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خویش را برای احتراز از جنگ، قربانی کند و در صورت لزوم نیز قادر باشد که منافع مشروع خویش را از طریق جنگیدن حفظ کند. (برگر، ۱۳۷۷: ۱۹۶).

در نظریات فوق، همگی بر جنبه عینی و بیرونی امنیت ملی، راههای افزایش قدرت، دفع تهدیدات و خطرات از مسیر افزایش قدرت و همچنین تلاش برای حذف رقبا تأکید شده

است. از این منظر، نظریات فوق همگی دائرمدار قدرت و تقلیل امنیت ملی به مفهومی مادی و همسو با افزایش قدرت می‌باشند.

با این تفاسیر، بررسی امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)، وجوه جدیدی از قدرت را به ما نشان می‌دهد که با تعاریف و دیدگاه‌های مکاتب و متفکران مطرح شده، متفاوت است. در وهله اول، امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تحت تأثیر تعریف ایشان از امنیت است که آن را متصل به خداوند می‌داند. ایشان بیان می‌دارند: «تمام چیزهایی که در عامل واقع می‌شود از همان جلوه است و چون همه امور، همه چیزها از اوست و به او بر می‌گردد، هیچ موجودی از خودش چیزی ندارد» (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). بنابراین متصل بودن به اخلاق و اوصاف الهی، امنیت‌ساز است و آنچه خارج از این هدف باشد، از بین برنده امنیت است. بدین ترتیب از نظر ایشان، خداوند، قادر متعال و آفریننده جهان هستی است و در نتیجه، مالک آن است و دارای حاکمیت مطلق است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). امنیت ملی از نظر امام خمینی (ره)، زمانی برقرار می‌شود که تعدی دشمنان خارجی و ظلم و ستم حاکمان در داخل نباشد. این هدف از نظر امام خمینی (ره)، در صورتی حاصل می‌شود که حاکم اسلامی، مانع تجاوزگری، ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد؛ امین، امانتدار و پاسدار خلق خدا باشد؛ هادی مردم به تعالیم، عقاید، احکام و نظامات اسلام باشد و از بدعت‌هایی که دشمنان و ملحدان در دین و در قوانین و نظامات می‌گذارند، جلوگیری کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۴۰). از این جهت، دیدگاه امام خمینی (ره)، تلقی قدرت‌گرایانه از امنیت ملی را کنار می‌نهد و خواهان امنیت مادی و معنوی برای افراد است که هم بتواند در داخل جامعه و هم در خارج از تهدیدات مصون بمانند. به علاوه اینکه حفظ امنیت جامعه در گرو حفظ و اجرای احکام شریعت است و در صورتی که خلاف این رویه، عمل شود، تهدیدات امنیتی شامل سلطه طاغوت از داخل و بیگانگان از خارج بر مردم جامعه مستولی می‌گردد. به همین دلیل ایشان بر این باور هستند که باید منتخبین مردم، اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند، بازیگر نباشند، به شرق و غرب توجه نداشته باشند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۳۳۵). ویژگی ممتاز و متمایز دیگری که با بررسی امنیت ملی در اندیشه امام خمینی (ره) دیده می‌شود، تأکید بر حکومت بر قلب‌ها به جای حکومت بر بدن‌ها می‌باشد (کریمی مله و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۶). همچنان که ایشان در این باره بیان می‌دارند: «حکومت بر قلوب یک حکومت شیرین است، برخلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۱۷۹).

با عنایت به موارد فوق، امنیت ملی پایدار در واقع بخشی از امنیت ملی است که سطح تحلیل امنیت را نه در فرد و دولت، بلکه برآمده از تعامل افراد و گروه‌ها می‌داند. اگر دغدغه دولت ملی، حاکمیت و حمایت از حق حیات است، در امنیت ملی پایدار، از بقا و بالندگی هویت فردی، گروهی و حتی ملی سخن به میان آورده می‌شود (نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۷). در این شکل از امنیت، نظام سیاسی می‌بایست پاسخگوی مشکلات و مطالبات مردم بوده و با کمترین حادثه و یا بحرانی از پای درنیاید. بنابراین در امنیت ملی پایدار، بحث بر سر میزان تاب‌آوری و یا عدم تاب‌آوری یک جامعه و نظام سیاسی در برابر چالش‌ها و مشکلات است. اگر مشکلات به نحوی باشد که شهروندان و نظام سیاسی را با خطر روبرو سازد، امنیت ملی جامعه دچار خدشه خواهد شد. در این رویکرد، امنیت ملی پایدار، در صورتی قابل دستیابی است که در بازه زمانی بلند مدت، آسیب‌های داخلی خطرناک و تهدیدهای خارجی شدید، تمامیت ارضی، انسجام داخلی و رژیم سیاسی را تهدید نکند (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۶). در امنیت ملی پایدار همان‌طور که رابرت ماندل نیز بیان می‌کند: امنیت ملی دربرگیرنده تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد (ماندل، ۵۲). در این شیوه از امنیت ملی، هدف اصلی برقراری زندگی آرام، سالم و عاری از تنش و تهدیدات است که این تهدیدات می‌تواند طیفی از عوامل داخلی و خارجی را شامل شود. روشن است که در ابعاد داخلی، برقراری امنیت اقتصادی شهروندان از جمله نبود فساد، بی‌عدالتی، تبعیض و شکاف طبقاتی مورد توجه است. بنابراین امنیت پایدار به معنای توجه به مشکلات داخلی و جلوگیری از عوامل تهدیدکننده است. به عبارتی ساده‌تر، امنیت ملی عبارت است از اساس آزادی کشور در تعقیب اهداف اصلی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی حیاتی و اساسی (آقابخشی، ۱۳۶۳: ۱۷۳).

از جمله مهم‌ترین تهدیدات مطرح شده بر علیه امنیت ملی، ناامنی در بُعد اقتصادی است. در این شیوه از ناامنی، مفاسد و جرائم اقتصادی تأثیر مستقیمی در ناکارآمد کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد. امنیت ملی پایدار در این زمینه با امنیت ملی اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند که به طور مشخص، امنیت اقتصادی را می‌توان این گونه بیان کرد که ارتقاء شیوه زندگی شهروندان یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات است که هم از مجرای داخلی و هم از طریق حضور در بازارهای

بین‌المللی قابل تحقق است (ماندل، ۱۳۹۵: ۱۰۷). با توجه به اینکه امنیت ملی پایدار به تأثیر عوامل داخلی بر بهبود و ارتقای امنیت ملی و یا تهدید آن توجه نشان می‌دهد، پژوهش حاضر درصدد است تا از چارچوب مذکور برای تحلیل و بررسی ابعاد فساد اقتصادی و آثار آن بر امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی بپردازد.

## ۲. ابعاد فساد در اندیشه امام خمینی (ره)

فساد به عنوان یکی از موضوعات اثرگذار در جامعه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)، بسیار مورد توجه است. با این حال، لازم است توضیحاتی مقدماتی درباره فساد بیان شود. فساد در لغت به معانی مختلفی نظیر تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرکی شدن عضو، ضد صلاح و به ستم گرفتن مال کسی آمده است. (معین، ۱۳۷۹؛ دهخدا، ۱۳۶۳). فساد مساوی با شکستن قواعد و هنجارها است. در قرآن کریم و احادیث و روایات بارها از واژگان و افعال فساد، مفسدین، یفسدون... و سایر مشتقات فساد، استفاده شده است و اغلب فساد مقابل عدل و صلاح و در کنار فسق و گناه قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> برای مثال، خداوند می‌فرماید: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يُريدون علواً في الأرض ولا فسادا...» و بر اساس این آیه، سرای آخرت را زینده کسانی می‌داند که در زمین خود پسندی و تباهی را اراده نمی‌کنند (قصص، ۸۳) در جایی دیگر، می‌فرماید، «لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما يصفون» بدین معنی که اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدای یکتا بود آنها از اعتدال و نظم خارج شده و تباه می‌گشتند. (انبیاء، ۲۲) و یا در سوره بقره آمده است: «وإذا تولّى سعى في الأرض ليفسد فيها...» بدین معنا که «در زمین تلاش می‌کنند تا در آن تباهی به بار آید» (بقره، ۲۰۵). با توجه به ابتدای نظام جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره) بر فقه و شریعت، بررسی ابعاد فساد در اندیشه امام خمینی به طور اعم و فساد اقتصادی به طور اخص، تشریح می‌شود.

### ۲-۱. فساد اجتماعی

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بر محوریت پیوند دین و مسائل اجتماعی است. بر همین اساس، توجه به فساد به فساد اجتماعی به عنوان یکی از جلوه‌های فساد به معنای آثار و نتایجی

<sup>۱</sup> - برای نمونه ر.ک رعد، ۲۵؛ شعراء، ۱۵۲؛ بقره ۲۲۰؛ اعراف، ۱۴۲؛ صاد، ۲۸؛ مائده، ۳۳؛ بقره، ۲۰۵؛ قصص، ۸۳؛ بقره، ۲۷؛ یوسف، ۷۳؛ هود، ۸۵؛ انباء، ۲۲... .

است که در حوزه زندگی اجتماعی بر جای می‌گذارد. قبل از هر چیز، دور شدن از ارزش‌های معنوی و معنویت یکی از نشانه‌های فساد اجتماعی از نظر امام خمینی (ره) است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۵۲). اما فساد اجتماعی، علل و دلایلی نیز دارد. از جمله یکی از جلوه‌های دیگر فساد اجتماعی، اغفال و فریب دادن مردم از سوی مسؤولان است که باعث ترویج این فرهنگ ناسالم در بین اعضای جامعه می‌شود. این مسأله از نظر ایشان، نوعی جنایت است. ایشان این زمینه بیان می‌کنند: «شما او را نمی‌شناسید. او حيله کرده است؛ می‌خواهد ما و شما را اغفال کند. می‌خواهد با وساطت شما به زندگی جنایت بار خود ادامه دهد. شما ملاحظه کنید به این معنا که وساطت از کسی که به قولش اعتمادی نیست و فقط برای اغفال است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۲۵). در این معنا، فساد اجتماعی همان بی‌اعتمادی اجتماعی است که میان مردم و مسؤولان شکاف طولی ایجاد نموده و مانع تحقق اهداف نظام اسلامی می‌گردد.

جلوه دیگری از فساد اجتماعی، طرح مسائل مبتذل و گمراه کننده در نزد افکار عمومی و از جمله در رسانه‌های مختلف است. به تعبیر ایشان: «ما اگر این دستگاه که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهی‌ها، چیزهایی که جوانان ما را به تباهی کشید و می‌کشد، حذف شود و به جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان‌های ما می‌آموزد و جوان‌های ما تربیت می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ۴۵۶). دلایل این حساسیت، جلوگیری از بروز فساد در لایه‌های اجتماعی و گرایش پیدا کردن جوانان و سایر اقشار جامعه به دامن فسق و فجور است که حتی تأکید ایشان بر حذف و جلوگیری از انتشار برخی محتوای رسانه‌ها برای جامعه اسلامی است.

## ۲-۲. فساد سیاسی

فساد سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی، در واقع مهار قدرت توسط مردم، نظارت بر اعمال و رفتارهای رهبران و مدیران جامعه و همچنین جلوگیری از کجروی و رفتارهای خلاف منافع مردم قابل طرح است. به بیان ایشان: «همه ما مسؤولیم، نه مسؤول برای کار خودمان، مسؤول کارهای دیگران هم هستیم. مسؤولیت من هم گردن شماست. مسؤولیت شما هم گردن من است، اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسؤولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۴۷). بدین ترتیب در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) بحث کنترل و مهار قدرت سیاسی و

نظارت بر این قدرت به شدت مورد تأکید است و حتی ایشان، مقام ولایت فقیه را نیز از نظارت و کنترل مستثنی نکرده اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۱).

اهمیت فساد سیاسی از نظر امام خمینی (ره) به قدری است که حتی سوءاستفاده از قدرت توسط مقامات را به معنای منعزل بودن وی می‌داند. همچنان که در این باره بیان می‌کنند: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود، از مقام زمامداری معزول است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵: ۴۰۷). بنابراین امر نظارت و کنترل قدرت سیاسی به دلیل پیشگیری از فساد در نظام اسلامی است که همواره مورد تأکید امام خمینی (ره) بوده است. بنابراین برای آنکه بتوان فساد سیاسی را در جامعه اسلامی مهار نمود و بر آن نظارت کرد، راهی جز گسترش نظارت عمومی و دخالت مردم در تمام امور نیست. به بیان ایشان: «این همان جمهوری است که تمام امور آن در همه‌ی مراحل حتی رهبری آن بر اساس آزادی مردم بنا شده است. این نقش برای مردم بالاتر از مشاوره است، چه اینکه مشاوره با استقلال رهبر و امام منافات ندارد، ولی در این نظریه، مردم در عرض رهبر و شریک او هستند که طبعاً اذن و رضای هر دو معتبر است (امام خمینی، ۱۳۶۶: ۱۹۰). در صورتی که بتوان جمهور مردم را در عرصه سیاست و اجتماع فعال کرد و راه را برای مردمی کردن حکومت در چارچوب احکام شریعت، باز کرد، قدرت سیاسی نیز مهار می‌شود و از فساد سیاسی به دلیل تمرکز قدرت جلوگیری می‌شود.

### ۲-۳. فساد اقتصادی

فساد اقتصادی که محور بحث حاضر را شامل می‌شود، در اندیشه امام خمینی (ره) دارای جایگاه قابل توجهی است. در اینجا به مصادیق فساد اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود. یکی از جلوه‌های فساد اقتصادی، گرایش مسؤولان و کارگزاران نظام اسلامی به مسائل دنیوی و خیانت در بیت‌المال است. به همین دلیل، تأکید امام خمینی (ره) بر این است که «یک هیأت حاکمه عادلانی که مورد اطمینان جامعه باشد و برای جامعه خدمت کند، و دستش به اموال جامعه دراز نباشد، دستش به صندوق دولت خیانت نکند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۴: ۴۰). به عبارت دیگر، خیانت نکردن، امانتدار بودن اموال مردم و همچنین محافظت از آنان در هر شرایطی، گویای پاکدستی مسؤولان و عدم فساد اقتصادی است. به همین دلیل ایشان توصیه می‌کنند: «تلفظ کنید به مردم؛ تواضع کنید به مردم. آقا

دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم است؛ شما نوکر مردم هستید. دولت‌ها خدمتگزار مردم هستند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱: ۲۹۷). خدمتگزاری به مردم از نظر امام خمینی، به معنای رفتارهای عامه پسند و تظاهر به پاک دستی نیست. بلکه باید شیوه زیست مسؤولان به نحوی باشد که اتحاد مردم و مسؤولان را در پی داشته باشد و از رفتارهای خلاف شرع و خلاف نظر و رأی مردم پرهیز شود.

یکی دیگر از جلوه‌های فساد اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره)، بحث رباخواری و کسب سود از راههای نامشروع است. از منظر امام خمینی (ره)، حکمت و یا علت نافی ربا و هرگونه فساد مالی اعم از رانت‌خواری و... این است که مردم، سودجو بار می‌آیند، و قرض که از صنایع معروف است، ترک می‌گردد. آنجا که امام رضا(ع) فرموده بودند: «...و رغبۀ الناس من الربح و ترکهم القرض». با مقایسه قرض و ربا در این مورد: (در مورد دنیا و آخرت) در قرض، سود دنیوی به دست نخواهد آمد و حتی ممکن است افت مالی و دنیوی نیز - به خاطر تورم - داشته باشد، اما اجر و ثواب اخروی دارد، ولی در فسادهای مالی سود دنیوی است و افت اخروی و معلوم می‌شود که رانت، ربا، رشوه و ... خلاف عدالت است (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ج ۲: ۴۰۳).

توضیح اینکه خداوند، عمل به قرض را همچون نماز و زکات از انسان خواسته است، تا سبب تعالی روح و توجه معنوی آنها باشد، اما اگر قرض نادیده انگاشته شود و سود و ربح و دنیا که همان رباست در جامعه گسترش یابد، آن گاه جامعه یک نهاد مادی است که دارای تفکر دنیوی محض و خالی از اشعه نور الهی و فارغ از امکانات و گرفتاری محرومان خواهد بود. خداوندی که خالق بشر است این نوع زندگی را از بشر نخواسته و این بدترین فلسفه زندگی است که انسانهای مادی به سوی آن گرایش می‌یابند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ج ۲: ۴۰۳). فساد ناشی از ربا نیز در محور مفاسد اقتصادی قابل بحث و تحلیل است. زیرا ایشان به طور کلی، شیرازه، بنیان و اساس تمامی قوانین و احکام شرع را عدالت می‌داند و ربا در تقابل با اصل عدالت است. ایشان در بحث از تحریم ربا به مسأله عدالت و ظلم اشاره دارد: گرفتن زیاده ظلم است و حرمت اخذ زیاده که ربا نامیده می‌شود معلول همین ظلم می‌باشد، به تعبیر دیگر ظلم علت حرمت است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰۷). بنابراین مظاهر متعدد فساد از جمله فساد اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) بسیار گسترده و متنوع هستند. اما پرداختن به ارتباط فساد اقتصادی و امنیت ملی پایدار می‌تواند تأثیر فساد اقتصادی بر این مقوله و راهکارهای برون رفت از آن را در اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی نشان دهد.

#### ۴. آثار فساد اقتصادی بر امنیت ملی پایدار

فساد اقتصادی از چند جهت بر امنیت ملی پایدار اثر می‌گذارد. این اثرگذاری هم از جهت بی‌توجهی به فساد که مانعی برای تحقق امنیت ملی پایدار است و هم از جهت اهمیت مقابله با آن که می‌تواند باعث تحقق امنیت ملی پایدار گردد. در اینجا به ارتباط فساد اقتصادی و ابعاد و آثار بر امنیت ملی پایدار در اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود.

##### ۴-۱. عدالت و امنیت ملی پایدار

تهدیدات ناشی از فساد، اثر خود را در حوزه تضعیف و یا تقویت نظام سیاسی نیز بر جای می‌گذارند. از منظر اندیشه امام خمینی (ره)، مسأله عدالت اجتماعی و حتی مشروعیت مدیران و کارگزاران اسلامی با فساد پیوند دارد. به تعبیر ایشان، حتی مشروعیت مدیران در گرو مبارزه آنان با فساد و رواج عدالت در جامعه است (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ج ۴: ۶). بنابراین مبارزه با فساد اقتصادی هم از حیث ارتباط معقولی که میان مسؤولان و مردم ایجاد می‌کند و هم از حیث نقش مهمی که در تحقق عدالت و سیاستگذاری مطلوب در جامعه اسلامی ایفا می‌کند، باعث تحقق امنیت ملی پایدار و مصون ماندن از تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود.

از جمله جلوه‌های فساد اقتصادی که نقش مخربی در تحقق عدالت به مثابه رکن اصلی امنیت ملی پایدار ایفا می‌کند، گرایش به زخارف دنیوی و تجمل‌گرایی از سوی کارگزاران نظام اسلامی است. اهمیت گرایش به تجمل‌گرایی تا جایی است که ایشان از آن با عنوان شکست اسلام و نظام اسلامی یاد می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ج ۱۸: ۴۴). فساد اقتصادی و آثار ویرانگر آن بر امنیت ملی، همواره امام خمینی را بر آن می‌داشت تا مسؤولان را در قبال خطرات ناشی از فساد و تجمل‌گرایی هوشیار کنند. ایشان همواره مسؤولان و کارگزاران نظام را به ساده‌زیستی و مردمی بودن راهنمایی می‌کردند و خود نیز زندگی ساده‌ای داشتند (ذاکری، ۱۳۸۴: ۶۴). گسترش تجمل‌گرایی و همچنین بی‌توجهی به خواسته‌های واقعی مردم، باعث شکل‌گیری طبقاتی اشرافی و مستقل از مردم می‌شود و تهدیدی برای ثبات جامعه اسلامی است. در مقابل، مسؤولان و کارگزاران اسلامی باید به خدمت و محبت به مردم روی بیاورند تا خداوند از آنان راضی باشد (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ج ۷: ۲۶۰-۲۵۹). در این صورت، بعد آغازین امنیت ملی پایدار یعنی تلاش برای تحقق عدالت و دوری‌گزینی از فساد اقتصادی در لایحه‌های اداره‌کننده جامعه پدیدار می‌شود و خطرات داخلی و خارجی نیز خنثی می‌گردد.

اگر برقراری امنیت اقتصادی در جامعه و همچنین آرامش خاطر شهروندان از برقراری عدالت و فرصت‌های عادلانه، بخشی از امنیت ملی پایدار محسوب می‌شود و توزیع عادلانه فرصت‌ها، جلوگیری از رانت‌خواری و فراهم ساختن حداقل امکانات زندگی برای عموم مردم به عنوان ابعاد امنیت ملی پایدار شناخته می‌شوند (اشرفی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). در این صورت، رویکرد امام خمینی (ره) به عنوان نظریه‌ای بدیع و نوآور در جهت تقویت بُعد امنیت اقتصادی است که خود مقوم امنیت ملی در نگاه کلان محسوب می‌شود. از دید امام خمینی، قانون - اعم از احکام شرع و قوانین موضوعه بشری - باید مبتنی بر عدل باشد. به رغم آنکه اصل عدالت در فقه، به تدریج، اهمیت اساسی و اولیه خودش را به عنوان بدیهی‌ترین و اولین اصل و حکم ثابت و لایتغیر از دست داده است و تبدیل به یکی از شروط برای پذیرش مسئولیت برخی از امور شرعی شده و، در نتیجه، به لحاظ مفهومی، نزول کرده است، ولی در نگاه امام، در مورد قانون و حکم، اساس و مبنا عدالت است و احکام و قوانین وسیله و ابزاری است برای تحقق عدالت. احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می‌باشند، بلکه احکام مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۵۷). همچنین ایشان کلیه قوانین و مقررات اسلامی را مبتنی بر اصل عدالت می‌داند: اِنَّ الْاِسْلَامَ قَامَ لِتَاْسِيسِ حُكُوْمَةٍ عَادِلَةٍ فِیْهَا قَوَانِیْنِ مَرْبُوْطَ بِالْمَالِیَّاتِ وَیَّتِ الْمَالُ وَاَخْذُهَا مِنْ جَمِیْعِ الطَّبَاقِ عَلٰی نَهْجِ عَدْلٍ وَ قَوَانِیْنِ مَرْبُوْطَ بِالْجَزَآئِیَّاتِ... و قوانین مربوطه بالقضاء و الحقوق علی نهج عدل و... (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۶۰). بدین ترتیب، امام خمینی به عنوان یک رهبر انقلابی داعیه‌دار تحقق عدالت بوده است و بر این چارچوب مفاهیم بنیادین در عرصه عدالت اقتصادی در اندیشه ایشان باز تعریف می‌شوند. بررسی اندیشه‌های امام خمینی در قالب سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مکتوبات ایشان که به نحوی به مسئله عدالت پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که ایشان در موارد بسیاری مفهوم عدالت را همراه با مفاهیمی مانند محرومیت، فقر، اقشار مستمند و تعبیری این چنین بیان نموده‌اند و با الفاظ و واژگان مختلف به گونه‌ای به ارتباط میان مفهوم عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم اشاره داشته‌اند (درخشه و فخاری، ۱۳۹۵: ۱۳). بنابراین گام آغازین برای تحقق امنیت ملی پایدار، تحقق عدالت در جامعه اسلامی است و تحقق عدالت از مبارزه با فساد و در سطح نخبگان آغاز می‌گردد.

## ۲-۴. فساد اقتصادی و بی اعتماد مردم به حکومت

مسأله مبارزه با فساد از منظر عقلانی، به این دلیل حائز اهمیت است که مانعی برای تحقق اعتماد عمومی است و در نهایت به سلب اعتماد عمومی منجر می‌شود. به تعبیر امام خمینی (ره)، تهدید دیگری که ناشی از فساد اقتصادی است، مطرود شدن از سوی مردم و بی اعتمادی مردم نسبت به مسؤولان کشور است (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ج ۱۷: ۲۶۲). بنابراین از نظر امام خمینی، اعتماد عمومی و وابستگی آن به عدالت اقتصادی و اجتماعی هنگامی قابل دستیابی است که بتواند مجموعه احکام اسلامی را در راستای رضایت مردم سوق دهد. از نظر ایشان: «مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده بوسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادهای و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسانها نمی‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۵۷: ۱۷۶-۱۷۷). بنابراین در صورت مشاهده رفتارهای مبتنی بر عدالت، اعتماد مردم به نظام سیاسی نیز بیشتر می‌شود و اعتماد عمومی شکل می‌گیرد. به عقیده ایشان: «مردم احساس کنند که اینها به نفع آنها عمل می‌کنند... لهذا اگر یک مشکلی پیدا می‌شد برای دولت، علاوه بر اینکه مردم همراهی نمی‌کردند، هرچه می‌توانستند کارشکنی می‌کردند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۳: ۳۷۰).

در این صورت اعتماد عمومی در چارچوب رعایت اصل عدالت قابل تحقق است و جامعه اسلامی را به سمت و سوی مطلوبی به پیش می‌راند. بنابراین هرچه قدر پابندی نظام و مسؤولان به برقراری عدالت در جامعه بیشتر باشد، اعتماد مردم نسبت به آنان نیز سیر صعودی خواهد گرفت. به همین دلیل است که ایشان بیان می‌کنند: «ما احتیاج به رجالی متدین و قابل اعتماد داریم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵: ۱۵۱). اما در صورتی که تحقق عدالت به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب به تعویق بیفتد و نگرانی‌های مردم در این زمینه بیشتر شود، اعتماد مردم نسبت به کارگزاران دچار تردید می‌شود و تبعات جبران-ناپذیری در پی خواهد داشت. بدیهی است که امنیت ملی پایدار بدون توجه به عنصر اعتماد متقابل امکان تحقق نخواهد داشت.

از منظر امنیت ملی پایدار باید گفت که اعتماد عمومی هنگامی که میان شهروندان و نظام سیاسی حاصل نشود، تبعات سنگینی برای نظام سیاسی و مشروعیت آن در پی دارد. از جمله مواردی که می‌تواند باعث پدید آمدن بی‌اعتمادی میان مردم و نظام سیاسی گردد، رواج

گسترده فساد در میان دولتمردان و یا هیأت حاکمه است. این مسأله باعث به خطر افکندن مشروعیت حکومت و ثبات سیاسی می‌شود. توضیح اینکه فساد چنانچه به صورت سیستمی در ادارات باشد کارکنان درستکار را ناباب نموده و در حقیقت آنان را هدف تمسخر دیگران قرار می‌دهد و چنانچه فساد بر طرف نگردد، تبعات کلی این گونه فساد عدم احترام و اعتماد به دولت در همه جا به خصوص در سیستم اداری می‌باشد و اما بدبینی و بی‌رغبتی و بیگانگی نتایج بدیهی آن است که منجر به مشارکت خیلی کم مردم در امر حکومت و در نتیجه از بین رفتن مشروعیت حکومت در بین مردم می‌گردد (خضری، ۱۳۷۹: ۲۰).

### ۳-۴. عدالت طبقاتی از منظر نفی تکاثر ثروت نامشروع

کسب ثروت نامشروع و فراهم نبودن شرایط برابر میان افراد مختلف جامعه، بخش مهمی از فرصت‌سوزی در راه نیل به امنیت پایدار محسوب می‌شود. توضیح اینکه معمولاً ثروتمندان با عدم پرداخت حقوق دیگران، مالی انبوه برای خویش فراهم می‌سازند و دولت اسلامی وظیفه دارد مانع تکاثر ثروت شود. گذشته از این، احکام و مقررات اسلامی در بعد اقتصادی به گونه‌ای است که از انبوه شدن ثروت جلوگیری می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «والَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْقُودُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (سوره توبه / ۳۴).

این آیه شریفه و تمامی آیاتی که از کنز و مال اندوزی نهی نموده‌اند گواهند که انباشت ثروت و دست به دست گشتن آن بین طبقات خاص صحیح نیست و با نهی از کنز، و امر به انفاق به عنوان راهی برای رسیدن به تعدیل ثروت در جامعه، باید عدالت اقتصادی ایجاد شود. در هر صورت، یکی از نشانه‌های نظارت بر عملکرد حاکمان، مبارزه با فساد است که از این طریق، مردم نیز با مشاهده این روند، اعتمادشان به حکومت بیشتر می‌شود و زمینه‌های لازم برای برقراری اعتماد میان طرفین پدید می‌آید. در خصوص مبارزه با فساد، امام علی (ع) در میان حاکمان تاریخ بی‌نظیر است. امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: «همانا زمامدار امین خدا در زمین برپا دارند عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است». (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷: ۶۰۴). بنابراین تداوم این رویه در دوره جمهوری اسلامی هم باعث سهولت در حکمرانی می‌شود و هم اعتماد عمومی را به منزله ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به نظام اسلامی و محقق‌شدن حقوق شهروندی هموار می‌سازد.

بنیانگذار انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی را برقراری قسط و عدل و اجرای حکام الهی می‌دانستند که این موضوع نشانگر اهمیت و نقش عدالت

در تحقق اهداف نظام اسلامی است. بر همین اساس ایشان هیچ گونه مسامحه‌ای را در خصوص فساد در جامعه اسلامی نمی‌پذیرفتند (کوچک زاده، ۱۳۹۸: ۳۳-۱۶). و همواره بر نقش سازنده عدالت در تحقق اهداف نظام اسلامی و جلب رضایت و اعتماد مردم تأکید داشتند. در واقع ایشان اعتقاد داشتند که مبنای جلوگیری از هرگونه فساد و رانت‌خواری در کشور برقرار حکومت اسلامی و رعایت قوانین اسلامی و اجرای احکام آن در کشور است. به علاوه اینکه، فساد اقتصادی نقش قابل توجهی بر ترویج رذایل اخلاقی در میان آحاد مردم بر عهده دارد. زیرا با گرایش به زندگی تجملی هزینه‌های مصرف بالا می‌رود و طبیعی است که برای تأمین این هزینه‌ها راه‌های مشروع جوابگو نمی‌باشد و باید از شیوه‌های نامشروع مثل تملق، رانت‌خواری، ربا و... بهره جست. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «این خوی کاخ‌نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود. اکثر این خوی‌های فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۲۱۸). همین رویکرد درباره سایر معضلات و مشکلات اجتماعی نظیر رانت، تبعیض و نابرابری نیز قابل بیان است و گسترش آنان در جامعه باعث سلب فرصت‌ها برابر و مانعی برای تحقق امنیت پایدار می‌گردد. همچنان که اگر در جامعه‌ای، حجم رانت زیاد شد سیستم اقتصادی دچار فروپاشی می‌شود. به عبارت دیگر رانت باعث می‌شود که اذهان خلّاق جامعه به دنبال سرمایه‌گذاری‌های عادی و تولید نروند؛ در نتیجه، بیکاری زیاد می‌شود و سیستم توزیع در آمد نیز ناعادلانه می‌گردد.

#### ۴-۴. نادیده گرفتن مالکیت مشروع و تسلط بیگانگان

یکی دیگر از عواملی که به طور مشخص تهدید کننده امنیت ملی است، وابستگی به بیگانگان از حیث اقتصادی است. عوامل مهمی در شکل‌گیری این وضعیت نقش دارند که از جمله می‌توان به مشکلات و موانع تولید داخل اشاره کرد که ممکن است باعث تسلط تولیدات خارجی و در نهایت تسلط بیگانگان بر کشور منجر شود. حمایت از تولیدات داخلی و کسب ثروت از راه‌های مشروع و احترام گذاشتن به مالکیت خصوصی، بخش مهمی از دیدگاه امام خمینی (ره) را تشکیل می‌دهند. ایشان، ایجاد اطمینان در خصوص جذب سرمایه‌ها و احترام به مالکیت و سرمایه‌های مشروع را عامل جریان یافتن سرمایه‌ها و پیشرفت اقتصادی کشور می‌دانستند (ر. ک. موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱: ۴۴۵).

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره فساد اقتصادی ناظر بر تکاثر ثروت در نزد عده‌ای و عدم دسترسی عده دیگری از افراد جامعه به نیازهای اولیه زندگی است. ایشان این گونه مطرح می‌کنند: «اسلام، تعدیل می‌خواهد؛ نه جلو سرمایه را می‌گیرد، نه می‌گذارد سرمایه آن طور

بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد و برای سگش هم اتومبیل داشته باشد و شوفر داشته باشد و امثال ذلک و یکی شب برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد. نمی‌شود این؛ این عملی نیست. نه اسلام موافق این است، نه هیچ انسانی با این موافق است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸: ۴۷). این سبک از بی‌عدالتی، حتی می‌تواند ناشی از دخالت دولت در امور مختلف از جمله بر عهده گرفتن مالکیت نمود پیدا کند. بر همین اساس، ایشان بر این عقیده هستند که باید جلوی دولتی شدن همه امور اقتصادی را گرفت و منافع اقتصادی و کسب و کارها را به مردم واگذار نمود. به بیان ایشان: «مالکیت در اسلام طوری است که تقریباً همه در یک سطح قرار می‌گیرند و وقتی این چنین باشد چرا پای دولت را به میان بکشیم و زمین‌ها و صنایع را به دست مردم نسپاریم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۴: ۲۹۲-۲۹۱). در صورتی که احترام به مالکیت و ثروت مشروع و همچنین توجه به تولیدات داخلی به نحو مطلوبی صورت گیرد، زمینه‌ها برای تسلط بیگانگان در موضوعات اقتصادی از بین می‌رود. زیرا سرمایه-گذاران داخلی با امنیت و با در نظر داشتن کسب ثروت مشروع و کمک به دیگران، راه را برای توسعه جامعه اسلامی فراهم نموده و استقلال و امنیت اقتصادی مستقل را رقم می‌زنند. علاوه بر پذیرش مالکیت خصوصی مشروع برای مردم جامعه اسلامی، سازوکارهای تعامل با سایر کشورها و یا استفاده از سرمایه گذاران خارجی نیز به نحوی است که نباید باعث تسلط بیگانگان بر کشور شود. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «در صورتی که روابط کشور اسلامی با دیگر کشورها موجب استعمار مسلمانان یا استعمار کشورشان در بُعد فرهنگی شود، بر همه مسلمانان واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند و این گونه روابط حرام می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ج ۱: ۴۸۶). توسعه و امنیت پایدار نیازمند اتکا بر توان داخلی در حوزه اقتصادی است و بی‌توجهی به این مقوله می‌تواند منجر به تسلط بیگانگان و وابستگی اقتصادی به آنان منجر شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

امنیت ملی پایدار تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله کنترل و مقابله با فساد اقتصادی قرار دارد. بدین معنا که جامعه اسلامی به دلیل نیاز برای پیاده کردن احکام شریعت نیازمند مبارزه با فساد و طراحی امنیت پایدار بر مبنای نفی فساد است. این موضوع در اندیشه امام خمینی (ره) به شکل نفی تجمل‌گرایی و تکاثر ثروت نامشروع، عدالت و مساوات در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، اعتماد متقابل دولت و ملت، نفی تسلط بیگانگان و کسب ثروت مشروع بنا شده است. به عبارت دیگر، راههای دستیابی به امنیت ملی پایدار نیازمند مبارزه با

مفاسد اقتصادی از مسیرهای متفاوتی و در عین حال متحدی است که بتوانند بر کسب ثروت مشروع در داخل کمک نموده و مانع تسلط بیگانگان بر کشور شوند. زیرا امنیت ملی پایدار در واقع امنیت ملی داخلی و متکی بر توانایی ها و ظرفیت های داخلی است. همچنان که در این نگاه فراگیر و جامع، توسعه روابط اقتصادی با سایر کشورها و استفاده از سرمایه گذاری- های خارجی نیز قابل پذیرش است، اما قواعد فقهی نظیر نفی سبیل، چراغ راهنمایی برای بهره‌مندی از فرصت‌های بیرونی است.

همچنین امنیت ملی پایدار در نظر امام خمینی (ره)، اول نیازمند تعامل با آحاد مردم، دوری مسئولین از فساد سیاسی، اعتماد به مردم و به تبع آن اعتماد مردم به نظام سیاسی حاصل می‌گردد. در این صورت است که بنیان جامعه بر مبنای اعتماد اجتماعی شکل گرفته که هرگز نمی‌تواند در برابر خطرات و تهدیدات خارجی و داخلی آسیب پذیر شود. اما فقدان عدالت، قانونگرایی، ترویج زدوبند و رانت خواری، ویژه خواری، پاسخگو نبودن در برابر مردم، همگی باعث سلب مشروعیت نظام سیاسی در اذهان عمومی شده و جامعه را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی آسیب‌پذیر می‌سازد. استدلال مطرح شده در نظریه امنیت ملی پایدار و دیدگاه امام خمینی آنجایی به هم پیوند می‌خورد که در صورت یکی دانستن نظام سیاسی و خودی تلقی کردن آن در نزد اذهان عمومی، تهدیدات کاهش و در صورت دور شدن مردم و نظام سیاسی تهدیدات افزایش می‌یابند. روشن است که برای دستیابی به امنیت ملی، اراده جدی با فساد در جامعه و از جمله مقابله با فساد اقتصادی، رانت خواری، اختلاس و حقوق‌های نجومی بخش مهمی از فرایند کسب مشروعیت توسط نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که در صورت موفقیت می‌تواند گامی برای تقویت امنیت ملی کشور باشد و در غیر این صورت، تهدیدات بالقوه را به تهدیدات بالفعل تبدیل می‌سازد.

## منابع و مأخذ:

### قرآن کریم.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، اهداف و کارکردهای نظارت در نظام سیاسی اسلام، **جستارهای سیاسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱-۲۲.

بختیاری، حسن (۱۳۹۷)، واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه، **پژوهشنامه علوی**، سال نهم، شماره دوم، صص ۵۲-۲۹.

برگر، مرتون، باک، وئیزو بی.سی، (۱۳۷۷)، «امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره دوم تابستان ۱۳۷۷، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولتها و هراس**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیلپس، جان (۱۳۸۳)، **استراتژی معاصر، نظریات و خط مشی‌ها**، ترجمه هوشمند میرفخرایی تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. تمیمی الامدی، عبدالواحد (۱۴۰۷)، **غررالحکم ودررالکلم**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴)، **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

خضری، محمد (۱۳۷۹) تحلیل نهادی فساد اداری. **فصلنامه مطالعات راهبردی**. سال ۸ شماره ۳-۴.

درخشه، جلال، فخاری، مرتضی (۱۳۹۵)، گستره مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی (ره)، **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۱۸-۱.

درویشی، فرهاد (۱۳۸۹)، ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال سیزدهم، شماره سوم، صص ۸۳-۵۵.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات شرکت چاپ افست گلشن.

ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۴)، اخلاق مسؤولان نظام اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)). فریدمن، لورنس (۱۳۷۸)، مفهوم امنیت، **گزیده مقالات سیاسی - امنیتی**، ج اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قدسی، امیر (۱۳۹۱)، قدرت نرم پایدار جمهوری اسلامی ایران در پرتو بازتولید سرمایه اجتماعی، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۵۷-۱۳۵ و

کریمی‌مله، علی، بابایی، اکبر، امیرخانی، کاوه (۱۳۸۹)، تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۰۹-۸۳.

کوچک‌زاده، فرهاد (۱۳۹۸)، دین و نگاه دینی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جامعه اسلامی از مقوله فساد. **نشریه بصیرت**: ۳۳-۱۶.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، **چهره متغییر امنیت ملی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

معین، محمد (۱۳۷۹)، **فرهنگ معین**، شش جلدی، تهران: انتشارات موسسه امیرکبیر.

منظمی تبار، جواد (۱۳۹۸)، مطالعه تأثیر فساد و جرایم بقه سفیدان بر اقتصاد و امنیت ملی، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، دوره دهم، شماره ۳۸، صص ۸۱-۱۰۱.

مورگنتا، هانس، جی (۱۳۸۴)، **سیاست میان ملتها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده (تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی).

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، **صحیفه نور**، ۲۲ جلدی، تهیه و تنظیم مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: شرکت سهامی عام.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱)، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، **تفسیر سوره حمد**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، **صحیفه نور**، ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲) **تحریر الوسیله**، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵)؛ **کتاب البیع**، جلد ۳، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

-